

گلشهری ها برای شهدای مدرسه سید الشهدا (ع) کابل، یادبود برگزار کردند

چشم‌های بیدار مهاجران



عطایی مدرسه سید الشهدا^(۱)، دشت برچی، غرب کابل، انفجاری مهیب و تصویر درناک بدن‌های تکه تکه شده دانش‌آموزانی که در میان کیف و کتاب خون آلودشان روی زمین افتاده بودند. دانش‌آموزان هزاره و شیعه که هم‌قوم مهاجران گلشهری ماهستند. هنوز چند ماهی از حادثه مشابه یعنی حمله به دانشگاه کابل نمی‌گذرد. حادثه تروریستی که باندای «جان‌پدر کجاستی؟» در همه جا پیچید. این بار اما شنبه هجدهم اردیبهشت بود که خبر هولناک انفجار مقابل مدرسه سید الشهدا^(۲) کابل در اخبار اعلام شد. چه درناک و حزن‌انگیز و مظلومانه به شهادت رسیدند. خبرگزاری فارس تا زمان تنظیم این خبر قربانیان را ۸۵ شهید و ۱۴۷ زخمی اعلام کرده است. ۸۵ نفر انسان بی‌گناه که قربانی تندروری و خشونت شدند. پس از این حادثه مراسم یادبودی در شهرهای مختلف برگزار و برچ آزادی تهران نیز نورپردازی موضوعی شد. در مشهد هم سه شنبه شب ۲۱ اردیبهشت، مراسم یادبودی برای این شهدا در گلشهر و در محله امیرالمومنین^(۳) برگزار شد. جایی که اکثریت جمعیت آن را مهاجران افغانستانی تشکیل می‌دهند.

● #به چه جرمی

از شهید یعقوبی ۳۵ وارد انتهای شلوغ بازار می‌شوم. محل برگزاری مراسم اینجاست و جمعیت زیادی هم مشغول روشن کردن شمع‌ها هستند. وسط جمعیت در دایره‌ای روی زمین کیف و کتاب‌هایی پیده شده‌اند که همانند تصویر خون‌آلود حادثه با رنگ قرمز آغشته شده‌اند. لابه‌لای کتاب‌ها شمع‌هایی روشن است و گل‌هایی نیز بر روی زمین افتاده است. شاخه‌های گل روی کتاب‌ها نام‌های پرکشیدن روح پاک دختران دانش‌آموز شهید شده است. دست‌عده‌ای از مردم پلاکاردهایی است که روی آن نوشته شده: «کشتن هزاره‌ها را متوقف کنید! یا #به چه جرمی، #دشت برچی، #افغانستان-تسلیت». جمال سجادی، دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و یکی از مسئولان برگزاری این مراسم است. می‌گوید: «متأسفانه چند روز قبل فاجعه تروریستی در منطقه شیعه‌نشین غرب کابل رخ داد. پیش از این هم حادثه کورس موعود و کورس کوثر دانش‌آداشتیم که تعداد افراد زیادی در آن شهید شدند. اما تکرار این حوادث صبر مردم را تمام کرده است و خیلی‌ها بر این باورند که خواست تروریست‌ها حذف فیزیکی مردم هزاره و شیعیان افغانستان است. همان چیزی که امروز کمیسیون حقوق بشر افغانستان اعلام کرد و گفتند هزاره‌ها با خطر تصفیه قومی روبه‌رو هستند.» درباره مراسم یادبود هم می‌گوید: «در مراسم امشب فعالان فرهنگی، هنری و جمعیت کارگری جامعه مهاجر همراه با دوستان ایرانی حضور دارند. امیدواریم کشور افغانستان هر چه زود تر روی صلح و آرامش را ببیند و از همه کشورهای همجوار به ویژه کشور ایران می‌خواهیم به روند صلح افغانستان کمک کنند.»

● همدردی شاعر محله

بابوطالب مظفری، شاعر نام‌آشنای مهاجر هم در حاشیه مراسم گفت و گومی کنم. شعرهای او در فضای مجازی برای همدردی و وصف شرایط این حادثه خیلی پرکار برد است. مظفری می‌گوید: «این مراسم به مناسبت سومین روز شهادت دانش‌آموزان مدرسه سید الشهدا^(۴) برگزار شده است. ما قصد داشتیم با برگزاری این برنامه با اعداواران همدردی کنیم. در این حادثه هدف تروریست‌ها بریدن دانش و آگاهی است. «محمدحسین جعفری، کارآفرین و هنرمند و مسئول خانه هنر مهاجران هم یکی از دست‌اندرکاران برگزاری مراسم است. با او در این باره گفت و گومی کنم. می‌گوید: «این حادثه را به تمام انسان‌های باوجدان بیدار و مردم هزاره تسلیت عرض می‌کنم. ما با برگزاری این مراسم ضمن بزرگداشت یادشدها قصد داریم تا نسل مهاجران به دنیا آمده و بزرگ‌شده ایران را بیشتر با فرهنگ هویت و تاریخ خودشان آشنا کنیم. دغدغه هویت می‌تواند به رشد اجتماعی و آگاهی‌شان کمک کند. مهاجران باید دانش و آگاهی کسب کنند و به کشورشان برگردند تا با استفاده از همین آگاهی زمینه صلح‌یاد را در افغانستان فراهم کنند. «مراسم زودتر از موعد تعطیل می‌شود اما هنوز شمع‌های زیادی روشن است. هنوز تصویر کفش‌های خون‌آلود دخترانه آن وسط روی پلاکارد دیده می‌شود. جمعیت داغدار یکی یکی می‌آیند و پایی طوماری را امضای کنند که روی آن درخواست رسیدگی و توقف خشونت‌های قومی علیه هزاره‌های افغانستان نوشته شده است. /

منطقه



اهالی خیابان مهریز این هفته به خواسته دیرین خود می‌رسند

احداث «اردیبهشت» در خرداد



نیکو عقیده احداث بوستانی بزرگ و سرسبز از جمله درخواست‌های همیشگی ساکنان خیابان مهریز بود. بوستانی که بتواند تفرجگاهی امن برای بچه‌های منطقه باشد و خانواده‌ها بتوانند با خیال راحت در آن به گشت و گذار بپردازند. در روزهای آینده این درخواست همیشگی سرانجام محقق می‌شود و بوستان اردیبهشت در انتهای خیابان مهریز با حضور شهردار مشهد به بهره‌برداری می‌رسد. بوستانی ۵ هکتاری با دو و نیم هکتار فضای سبز، زمین فوتبال و والیبال، زمین بازی برای بچه‌ها، کتابخانه و... سری به آن زدیم تا با اهالی گفت و گو کنیم.

● درخواست همیشگی ما محقق شد

مریم رستگار مقدم از ساکنان قدیمی این خیابان است که ابتدا از درخواست همیشگی اهالی به وجود بوستان در این محله می‌گوید. اینکه همیشه مجبور بوده مسیری طولانی را با اتوبوس طی کند تا دختر کوچکش را برای بازی به پارک‌های محله‌های اطراف ببرد. اما حالا از وجود چنین پارکی ابراز خوشحالی می‌کند و می‌گوید: مردم این محله هیچ وقت فضایی برای تفریح و استراحت نداشتند و وجود چنین پارک بزرگی همیشه یکی از نیازهای اساسی ما بود. جادارد که از مسئولان مربوطه بابت احداث این پارک تشکری ویژه داشته باشیم.

او در ادامه تنها نگرانی اهالی را موضوع امنیت پارک می‌داند و می‌گوید: اگر امنیت پارک‌ها تأمین نشوند ممکن است به فضایی برای تردد معتادان تبدیل شوند و امنیت را از محله هم ببرند. بهتر است همین ابتدای کار برای امن ماندن این فضا هم کاری انجام بدهند.

● نگرانی‌ها درباره امنیت بوستان

حسن موسی زاده، ساکن این منطقه و فعال و دغدغه‌مند محله، ابتدا از احداث این پارک ابراز خوشحالی می‌کند اما او هم موضوع امنیت را پیش می‌کشد و به خانه‌های کوچکی که در سه ضلع پارک قرار دارند، اشاره می‌کند: خانه‌هایی کوچک در اطراف پارک هستند که بخشی از آن‌ها داخل پارک قرار گرفته است. این منازل در گذشته خانه کشاورزان زمین‌های اطراف بوده و مدت‌هاست خانواده‌هایی در آن‌ها ساکن هستند. نگرانی ما این است پشت دیوارهای این خانه‌ها که داخل پارک قرار گرفته‌اند محل مخفیگاهی برای معتادان شوند.

وجود مدرسه دخترانه درست مقابل پارک هم نگرانی ما را دوچندان می‌کند و لازم است این موضوع به طور جدی بررسی شود.

● مالکان اجازه تملک نمی‌دهند

احسان نجاری مقدم، معاون اجرایی منطقه ۶، نگرانی اهالی را منطقی نمی‌داند و توضیح می‌دهد: دیوار این منازل کوتاه، موازی و عمود بر پارک هستند و فضای مخفی و پنهانی ندارند. اگر دیوارها طوری بودند که باعث ایجاد فضایی مخفی می‌شدند آن موقع نگرانی‌ها بجا بود. مثلاً دیوارهای کتابخانه بوستان رز چنین فضایی را در آن بوستان ایجاد کرده است اما این خانه‌ها چنین ویژگی‌هایی ندارند. او در ادامه بحث دیگری را درباره این خانه‌ها پیش می‌کشد و می‌گوید: درباره امنیت پارک جای نگرانی وجود ندارد اما قبول داریم این خانه‌ها زیبایی پارک را تحت الشعاع قرار داده و بهتر است تخریب شوند. ما با ساکنان آن‌ها بارها گفت و گو کرده‌ایم اما اجازه تملک به ما نمی‌دهند و کاری از دست شهرداری بر نمی‌آید. از اهالی خواهش می‌کنیم آن‌ها با مالکان وارد گفت و گو شوند تا اجازه تملک بدهند. /